



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فارغ التحصیلی را به همه ی شما جوانان عزیز، به خانواده هایتان و به ارتش جمهوری اسلامی ایران تبریک عرض می کنم. از استادان، مدیران و فرماندهان هم که این امکان را فراهم کرده اند، صمیمانه تشکر می کنم. همه ساله در مراسم فارغ التحصیلی افسران جوان اصرار دارم شرکت کنم؛ این به خاطر بزرگداشت جایگاه علم و شجاعت و نظامیگری مؤمنانه است که جمعی از بهترین جوانان ما در این مراکز علمی و تحقیقی آن را فرا می گیرند و پایه یی برای تلاش و مجاهدت سالهای طولانی خود قرار می دهند. از میان شما جوانهاست که در آینده سرداران بزرگ، نوابغ جنگی و کسانی که می توانند در موقعیتهای حساس و خطرناک یک کشور را نجات دهند، بر می خیزند. بسا باشد که مردی آسمانی به جانی سرفراز لشکری را نهد جان در یکی تیر و رساند به اوج نیکنامی کشوری را چهره هایی که می توانند ملت و کشور و ایمان و ارزشهای خود را در برابر هجوم بیگانگان نجات دهند، در میان همین جوانها تکون می یابند و رشد می کنند و می بالند. نظامیگری در عرف فرهنگ مادی، با نظامیگری در فرهنگ اسلامی متفاوت است. در فرهنگ مادی، نظامیگری یعنی بی رحمی، خشونت و اطاعت بی چون و چرا و بدون آگاهی و معرفت. در فرهنگ مادی، نظامی مثل سلاح خود، یک موجود جامد، بی جان و بی انعطاف است؛ ابزاری است در دست صاحبان ثروت و قدرت؛ اما در اسلام، نظامیگری بکلی مفهوم متفاوتی دارد. نظامی در فرهنگ اسلامی، انسانی است که با معرفت و آگاهی از برترین ارزشها دفاع جانانه می کند. این دفاع به معنای به میدان آوردن جان و هستی و سلامت خود و به معنای فداکاری است؛ و آن چیزی که این دفاع به خاطر آن انجام می گیرد، والاترین ارزشهای انسانی و الهی است. استقلال و سربلندی و افتخار و هویت و شخصیت ذاتی و دینی و ارزشهای مورد اعتماد یک ملت، مورد دفاع قرار می گیرد. برای اینهاست که یک نظامی با جان و هستی خود وارد میدان می شود. لذا این نظامی در عرف اسلامی «مجاهد» است. جهاد یعنی تلاش و کوشش در راه ارزشهای والا؛ و برای همین است که «انّ الجهاد باب من ابواب الجنة»؛ جهاد دری از درهای بهشت است. امروز به مظاهر نظامیگری مادی در دنیا نگاه کنید. علاوه بر نیروهای رسمی امریکا و انگلیس، امروز در عراق ده ها هزار مزدور فقط برای پول در میدان جنگ حاضر شده اند و لباس نظامیگری پوشیده اند. برای آنها بچه و پیرمرد و زن و بی دفاع و حریم خانه ی مردم و هیچ چیز معتبر و محترم نیست؛ همه چیز را از دم تیغ می گذرانند؛ این معنای نظامیگری در منطق مادی است. جانی هم که در این راه تلف می شود، مثل جان حیوانی که بمیرد و در مزبله بیفتد، هدر رفته است! هیچ افتخار و درخششی دنبال چنین جانی نیست. اما آن انسانی که در راه دفاع از ملت و کشور و عدالت و حقیقت و ایستادگی در مقابل تجاوز و زورگویی و دست اندازی مراکز قدرت جهانی وارد میدان می شود، برای ارزش می جنگد. اگر هیچ کس هم او را نشناسد و گمنام بمیرد و گمنام بماند، در ملکوت آسمانها فرشتگان الهی او را با سر انگشت به هم نشان می دهند؛ او نمی میرد: «و لا تحسبنّ الذین قتلوا فی سبیل اللّٰه امواتا»؛ اینها را مرده مپندارید؛ اینها زندگان جاوید و منبع الهامند. وقتی این روحیه در ارتشی به وجود آمد، این ارتش غیرقابل تسخیر می شود. شما ببینید یک عده جوان با سلاح ایمان و بدون برخورداری از تجهیزات پیچیده و پیشرفته در لبنان کاری را انجام دادند که لشکرهای مجهز عربی نتوانسته بودند آن را انجام دهند؛ یعنی بر ارتش تا دندان مسلح به ابزارهای پیچیده ی اسرائیل فائق آمدند و این ننگ را بر پیشانی آنان نوشتند. اینها نه اتم داشتند، نه تانکهای پیشرفته داشتند، نه هواپیماهای فوق مدرن داشتند؛ با سلاح ایمان، با اعتماد به نفس و با تکیه به قدرت فائقه ی الهی، از اسلحه ی ابتدایی خودشان همان استفاده یی را کردند که یک لشکر مجهز به سلاح مدرن نمی توانست در مقابل آنها تاب مقاومت بیاورد. راز پیروزی مؤمنان در طول تاریخ اسلام این بوده. ایمان به تنهایی کافی نیست؛ ایمان با عمل صالح لازم است. عمل صالح در هر جا و هر میدانی یک معنا پیدا می کند. وقتی یک ملت مورد تهدید قرار می گیرد، عمل صالح این است که انسانهایی در مقابل تهدید دشمنان



متجاوز سینه سپر کنند؛ امکانات خودشان را متمرکز کنند؛ از همه ی نیرو و استعداد خودشان بهره بگیرند؛ علم و عمل و ابتکار و شجاعت را با هم بیامیزند و در مقابل دشمن زورگو و متجاوز بایستند و مقاومت کنند. وقتی ایمان با عمل صالح همراه شد، انسان از خسران نجات پیدا می کند؛ آن وقت ملتها پیروز می شوند. چیزی که ایران اسلامی کارخانه ی منحصر به فرد آن را در درون خود داشته است، ایمان است. دشمنان ما هم از این کارخانه می ترسند و از این تولید واهمه دارند؛ بقیه ی حرفها دروغ و بهانه و تزویر است. شما جوانان مؤمن، روزی که دانش و ایمان و شجاعت و ابتکار و نواندیشی و اغتنام فرصت را با هم بیامیزید و در میدان علم و عمل آن را به کار بگیرید، برترین فرآورده های این کارخانه اید. اگر می بینید جمهوری اسلامی که حرکت نظامی سلطه را در همه ی مدارهای آن با مشکل مواجه کرده و نظام سلطه ی جهانی را به چالش طلبیده، بیست و پنج سال است که علی رغم همه دشمنی ها و کارشکنی ها، بیش از پیش زنده و سرپا و ریشه دار و مقتدرتر است، راز آن در همین تولید علم و ایمان است. علم و ایمان را در خودتان تقویت کنید. شما جوانهای برگزیده ی هستی که در برهه ی حساسی از تاریخ این کشور واقع شده اید؛ این هم اقبال شماس است. ممکن بود من و شما در دورانی زندگی کنیم که مجال هیچ کار و تلاشی در آن نبود. یک روزی بر این مملکت استبداد سیاه حاکم بود؛ روز بدتری همان استبداد سیاه در خدمت دشمنان این کشور و بیگانگان قرار گرفت؛ بنابراین دوران تلخی بر این کشور سپری شد. آن روز در کسوت نظامی، کمتر کسی ممکن نبود بتواند ادای تکلیف کند. آن روز نظامی ایرانی در نیروی هوایی، در نیروی دریایی، در نیروی زمینی و در مراکز برجسته و بالای نظامی به وسیله ی دشمنان و بیگانگان تحقیر می شد. دون پایگان ارتش بیگانه بر بلندپایگان ارتش این کشور فرمان می راندند؛ تحکم می فروختند؛ تحقیر می کردند؛ هم می بردند و می خوردند، هم اهانت می کردند و به ذلت می کشاندند! زندگی در چنان شرایطی، برای انسانهای غیور خیلی دشوار است. انسانهای غیوری که آن روز نتوانستند طاقت بیاورند، از ارتش کناره گرفتند. امروز، روزی است که شما می دانید و احساس می کنید و به چشم خودتان می بینید که کشور و ملت شما با همه ی کارشکنی های دشمنان، راه را بر روی نفوذ و سلطه ی بیگانگان بکلی مسدود کرده است. ما اجازه ندادیم و به اذن الهی اجازه نخواهیم داد که پنجه ی خونین و زشت سلطه ی دشمن بار دیگر بر این مملکت مسلط شود. ما در مقابل دشمن ایستاده ایم؛ به خدای خودمان توکل کرده ایم؛ به خودمان اعتماد داریم؛ به ملتمان ایمان و باور داریم؛ عظمت این ملت را می ستاییم؛ به نیروی جوانان بالنده مان افتخار می کنیم و می دانیم که این جوانان، این ملت بزرگ و این زن و مرد غیور و مؤمن در این کشور، در همه ی شرایط، راه را بر سلطه ی دشمن می بندند و دشمن را بار دیگر و برای چندمین بار ناکام می گذارند. نظامیگری در یک چنین نظامی، مایه ی افتخار است و به نظامیگری خود ببالید و افتخار کنید. به لفظ اکتفا نکنید؛ در عمل، نظامی مؤمن - یعنی مجاهد فی سبیل الله - باشید. شرط مجاهد، آماده بودن است. با دانش و فن و تجربه و پیشرفتهایی که ذهن بشر در همه ی اقطار عالم به آن دست یافته است، خود را آشنا و مجهز کنید و به دیگران نیز بیاموزید؛ ذهنهایتان را پیچیده کنید و از تجربه های دوران دفاع مقدس حداکثر استفاده را بکنید. در آن روز، همین نیروی هوایی و همین ارتش و سپاه و بسیج، با امکانات کم، با محاصره ی اقتصادی و با تحریم عمومی توانستند در مقابل جبهه یی بایستند که اگر چه صفوف مقدمش نظامیان بعثی صدام بودند؛ اما صفوف مؤخر آن، همه ی قدرتهای نظامی شرق و غرب بودند و پشتیبانی فنی و علمی و اطلاعاتی و سازماندهی و مدیریتی از سوی آنها انجام می گرفت. در مقابل چنین جبهه ی وسیعی، ما توانستیم به همت جوانهایمان، به همت بسیجمان، سپاهمان، ارتش مان، خلبانان و فنی های شجاع مان و عناصر کارآمد رسته های مختلف نیروهای مسلحمان بر دشمن پیروز شویم. از این تجربه درس بگیرید و با آن آشنا شوید. حضور در ارتش را مغتنم بشمارید. یاد شهید ستاری - که من از اولین روزهایی که آن شهید این دانشگاه را بنیانگذاری می کرد، با این کار از نزدیک آشنا بودم - و همچنین بقیه ی شهدای عزیز نیروی هوایی و شهدای نیروهای سه گانه ی ارتش جمهوری اسلامی ایران و شهدای سپاه پاسداران و شهدای مظلوم بسیج و شهدای دوران دفاع و قبل و بعد از آن را گرامی می داریم و از خداوند متعال علو درجات آنها را مسألت می کنیم.

برای شما جوانهای عزیز و افسرانی که از امروز وارد یگانها خواهید شد و در بخشهای مختلف به کار جدی اشتغال



خواهید ورزید، از خداوند متعال عاقبت نیکو و توانایی و موفقیت مسألت می کنم.
والسّلام علیکم ورحمة اللّٰه و برکاته

پسترسنم سمنم رسبری
www.leader.ir